

ف.م. جوانشیر



انتقاد

و

انتقاد از خود

- انتقاد و انتقاد از خود
- فرج الله میزانی (ف. م. جوانشیر)
- انتشار مجدد: چاوشان نوزایی کبیر
- آدرس:

<http://chawoshan.mihanblog.com>

فهرست :

۱. تعریف و توضیح عمومی..... ۳
۲. انتقاد از خود در حزب طراز نوین کارگری..... ۹
۳. آزادی انتقاد به چه معناست..... ۱۵
۴. خطوط کلی انتقاد از خود..... ۲۱
۵. انتقاد از خود در مقیاس کوچک سازمانی..... ۲۳
- بررسی کار جمعی..... ۲۵
- بررسی مسئولیت فردی..... ۲۷
۶. پرورش اعضای حزب..... ۲۹
۷. تحریف مائوئیستی انتقاد از خود..... ۳۳

(۱) تعریف و توضیح عمومی

انتقاد عبارتست از شیوه کشف تضادهای درونی تکامل اجتماعی و پیدا کردن راه های رفع و حل این تضادها به قصد تسریع تکامل ، چنانکه می دانیم روند تکامل اجتماعی نبردی است مداوم میان نو و کهنه ، ترقی و ارتجاع . در این نبرد مداوم ، نو همواره از کهنه " انتقاد " می کند ، یعنی کهنه را نفی می کند تا خود را مستقر سازد . به این معنا - که معنای درست علمی است - انتقاد جانبی است از روند دیالکتیکی نفی و نفی خود .

قبل از مارکس معنای درست انتقاد و بطریق اولی معنای درست انتقاد از خود شناخته نبود . روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا نسبت به این امر نیز - مانند همه امور دیگر اجتماعی - برخوردی ذهنی داشتند و گمان می کردند که هر بخش از جهان خارج را که موافق سلیقه نبود می توان بنا به تمایل ذهنی خود نفی _ انتقاد _ کرد و هر نظم دلخواه و ارادی را جانشین آن ساخت . این طرز برخورد نتیجه ای نمی داد جز سردرگمی و سرانجام کمک به تحکیم مواضع سرمایه داری .

مارکس توجه داد که تکامل جامعه امری عینی است . نمی توان جهان را به دلخواه تغییر داد ، ولی می توان و باید جهت تکامل و قوانین تکامل را کشف کرد و از این قوانین برای تسریع تکامل بهره جست و به پیروزی نو در نبرد علیه کهنه کمک کرد .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
مارکس از این دیدگاه علمی انتقاد را سلاحی دانست در نبرد طبقاتی و آنرا " سلاح انتقاد " می
نامد. این " اسلحهٔ انتقاد " چنانست که در شرایط تکامل یافته تر نبرد طبقاتی می تواند به "
انتقاد با سلاح " بدل شود.

برداشت مارکسیسم از انتقاد با دوبرداشت غیر علمی و ضد علمی مقابله دارد: یکی انتقاد
بورژوائی توجیه گر و " واقع بین " و دیگری انتقاد خرده بورژوائی ویرانگر.

روشنفکران مدافع سرمایه داری در زمان ما نمی توانند دشواری ها، معایب و کمبودهای جامعه
سرمایه داری را ندیده بگیرند. مجبورند به وجود بخشی از آنها اعتراف کنند ولی هدف از این
اعتراف کشف تضادهای درونی نظام سرمایه داری، ریشه یابی کمبودها و ریشه کن کردن آنها
نیست چرا که این امر خواه ناخواه به نفی نظام سرمایه داری می انجامد. مدافعان سرمایه به
وجود برخی کمبودها اعتراف می کنند تا آنها را توجیه نمایند، " زیاده روی " ها را برطرف
ساخته و ارکان نظام سرمایه داری را تحکیم کنند.

" انتقادی که محافل بورژوا - لیبرال در دهه ۴۰-۱۳۵۰ از رژیم شاه و بویژه پایه های فئودالی
آن کرده و اصلاحات از بالا را راه انداختند نمونه ای است از این نوع انتقاد " واقع بین "
بورژوائی. هم چنین انتقادی که جناح های دیگر محافل بورژوا - لیبرال از جبهه ملی و بختیار
گرفته - تا سران نهضت آزادی در آستانه انقلاب بهمن از " زیاده روی های " رژیم شاه می

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

کردند و خواستار تخفیف مظاهر استبداد سلطنتی بودند تا پایه های سلطنت و ارکان نظام وابسته به امپریالیسم محکمتر شود ، نمونه دیگری است از انتقاد " واقع بینانه " و توجیه گر .

روشنفکران بورژوا _ لیبرال معمولاً روش " انتقادی " خود را _ که در حقیقت انتقاد نیست ، تلاشی است برای توجیه و تعمیر نظام موجود _ با قیافه دانشمندانه ای به واقع بینی نسبت می دهند . آنها بجای اینکه از موضع توده مردم ، از موضع نیروهای بالنده نو، نظام ضد خلقی را که کهنه شده نفی کنند ، خود را بجای سران همین نظام ضد خلقی و کهنه گذاشته و از قول آنها " واقعیت ها " ، " دشواری ها " و " موانع " را توضیح می دهند تا سرانجام نظام موجود را توجیه کنند و مردم را به برخی تغییرات جزئی در چارچوب " امکانات " قانع سازند .

در برخی از محافل بورژوایی گاه اینطور تبلیغ می شود که گویا حضرات روشنفکران لیبرال اصولاً آدم های مسالمت جو و سلیم النفسی هستند که انقلاب را خشونت می دانند و گویا روش توجیه گرانه و " واقع بینانه " آنان امری است مربوط به روش و اخلاق . اما زمانی که محک تجربه به میان بیاید ، توده های مردم می توانند با چهره کریه و درنده همین حضرات " مسالمت جو " آشنا شوند و دریابند که مسئله بهیچوجه مربوط به روش و اخلاق نیست ، طبقاتی است . همان کسانی که در پایان کار شاه ، توده مردم را از انقلاب می ترسانیدند و به " واقع بینی " دعوت می کردند و با لحن بسیار دانشمندانه از آنچه " ممکن است " و آنچه " ممکن نیست " سخن

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
می گفتند ، امروز با دندان گراز و چهره ای برافروخته مدافع جنگ ، کشتار ، کودتا و ویرانگری
هستند .

دومین برداشت غیر علمی و ضد علمی که در برابر برداشت علمی مارکسیستی قرار دارد ، انتقاد
خرده بورژوازی ویرانگر است . برای مارکسیسم ، چنان که می دانیم ، نفی کهنه هدف نیست ،
ایجاد و استقرار نو هدف است . مارکسیسم دانشی است سازنده . مارکسیسم روی خصلت سازنده
فعالیت نیروهای انقلابی توده ها تاکید دارد که ویران کردن کهنه فقط لحظه ای است در ساختن
نو . نمایندگان خرده بورژوازی در حال ورشکستگی که قدرت مقابله با سیل رشد سرمایه داری را
ندارند ، به جای نفی کهنه ، همه چیز را نفی می کنند .

انتقاد آنها ویرانگر است ، بی آنکه جایی برای ساختن نو باقی گذارد و یا تدارکی برای ساختن نو
انجام گرفته باشد . از این انتقاد ویرانگر فقط آنارشیسم و پوچی زاده می شود . نمایندگان این
طرز تفکر و این طرز برخورد به واقعیت اجتماعی نه تنها قادر نیستند جامعه را تغییر دهند و به
زایش جامعه نوین کمک کنند ، بلکه حتی قادر نیستند که بخشی از توده مردم را متشکل کرده و
یک سازمان انقلابی واقعی بیافرینند . مشکل خود سازندگی است و روشنفکر خرده بورژوازی
آنارشیست _ ویرانگر _ قدرت آن را ندارد که در باره تشکل توده ای بیاندیشد . حداکثر ابتکار و

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

نبوغ سازمانی او از ایجاد گروهک های توطئه گر و خانه های تیمی _ ضمن نفی آشکار و نهان حزب توده ای و سازمان های انقلابی توده ای _ فراتر نمی رود .

برخورد طبقه کارگر به انتقاد از نظام سرمایه داری و همه نظام های بهره کش ، چنان که گفتیم، هم با انتقاد توجیه گر بورژوا _ لیبرالی و هم با انتقاد ویرانگر آنارشیستی از ریشه تفاوت دارد . انتقاد از موضع طبق کارگر انعکاسی است از قانون نفی نفی در دیالکتیک تکامل اجتماعی . طبقه کارگر اساس سلطه طبقات ستمگر ، اساس سلطه امپریالیسم و ارتجاع را نفی می کند ولی می کوشد تا هر آنچه را که دست آورد تمدن بشری و نسل های گذشته زحمتکشان است حفظ کرده و پایه تکامل آینده قرار دهد . این انتقاد طبقاتی و پیکار جوست ، نه " واقع بین " و توجیه گر . این انتقاد در عین حال سازنده است ، نه ویرانگر .

از چنین برخورد انقلابی و علمی به انتقاد اجتماعی است که ضرورت و امکان اتحاد نیروهای انقلابی و نیز ضرورت و امکان گذار از مراحل تکامل کشف و درک می شود . تفاوت ماهوی که بین برخورد حزب توده ایران از یک سو و برخورد احزاب و گروه های بورژوا _ لیبرال و گروه های چپ رو . چپ نما از سوی دیگر به انقلاب وجود دارد ، از همین جا سرچشمه می گیرد . ما به پیشرفت و تکامل می اندیشیم . می خواهیم انقلاب را جلوتر برانیم و به پیروزی کامل برسانیم ، لذا ضمن تقویت همه جانبه نیروها و عوامل پیش برنده انقلاب ، در رفع موانع پیشرفت

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
می کوشیم . ما از ارکان انقلاب انتقاد نمی کنیم و قصد متزلزل کردن آن را نداریم . ما از
بندهاییکه مانع پیشرفت است انتقاد می کنیم تا اساس انقلاب محکم شود . محافل بورژوا _
لیبرال برعکس ما عمل می کنند . زمانی که مردم خواستار سرنگونی رژیم شاه بودند آنها
دانشمندان مردم را از " تندروی " برحذر می داشتند ، ولی امروز برای سرنگون کردن رژیم
جمهوری اسلامی تا حد بمب گذاری و کودتا و آدم کشی پیش رفته اند .

گروهک های چپ رو نیز با برخورد ویرانگر خویش عملاً آب به آسیاب دشمنان انقلاب می
ریزند . اینان قادر به انتقاد سازنده نیستند و نمی توانند ساختن آینده و استقرار نو را _ که
محتوای اصلی هر انقلاب واقعی است _ هدف قرار دهند . و لذا خواه ناخواه در سنگر دشمنان
انقلاب قرار می گیرند .

در جامعه سوسیالیستی و کمونیستی ، که طبقات متخاصم در آن وجود ندارند ، انتقاد شیوه موثر
ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و قانونمندی عینی و نیروی محرکه تکامل جامعه است . در این
جامعه امر تکامل آگاهانه و با شرکت وسیع توده های مردم انجام می پذیرد . نبرد میان نو و
کهنه ، میان آنچه پیشرفته و متریقی است با آنچه محافظه کارانه و ارتجاعی است در چارچوب
سازندگی جریان می یابد . طبقه کارگر و حزب آن که رهبری تکامل آگاهانه را به دوش دارد .
اسلحه انتقاد را به یکی از برترین سلاح های پیشرفت بدل می کند . آنچه را که کهنه شده و

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
حق زندگی را از دست داده با شرکت وسیع توده ها نفی کرده و آنچه را که نو ، بالنده و دارای
حق زندگی است ، اثبات و تحکیم می کند .

در این جامعه انتقاد ، قبل از هر چیز و بیش از هر چیز انتقاد از خود است . جامعه دائماً از خود
انتقاد می کند ، انقلاب سوسیالیستی با درک خصلت دیالکتیکی و متضاد تکامل ، ضرورت عینی
کشف و حل مداوم تضادهایی را که دائماً پدید می آیند درمی یابد و در این روند هیچ چیز
قانونمندتر از آن نیست که جامعه خود از خود انتقاد کند .

(۲) انتقاد از خود در حزب طراز نوین کارگری

انتقاد و انتقاد از خود یکی از اصول اساسی فعالیت احزاب کمونیست و کارگری است . انتقاد از
خود درون حزبی تابعی است از انتقاد اجتماعی که حزب در جامعه مطرح می سازد . حزب طبقه
کارگر باید خود را همواره در سطح وظایفش نگاه دارد یعنی هم مشی سیاسی ، هم کارایی
سازمانی و هم کیفیت اعضای خود را آن چنان تکامل بخشد که در هر لحظه قادر به انجام
وظایفش باشد و این امر مقدور نیست مگر این که انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب به یک روند
مداوم بدل شود .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

از آن جا که اصطلاح انتقاد و انتقاد از خود در دهه های اخیر از طرف محافل مائوئیستی و گروهک های چپ نما به غلط تعبیر و تفسیر شده و در این باره تصور غلطی در اذهان بسیاری از مبارزین پدید آمده است ، لازم است ابتدا معنای دقیق انتقاد از خود درون حزبی را بیان کنیم .

انتقاد از خود درون حزبی یعنی ارزیابی بی نظرانه و واقع بینانه کار حزبی ، تعیین جنبه های مثبت و منفی آن و کشف کمبودهای به قصد رفع آنها ، رسم شده است که انتقاد را به معنای عیب جویی می گیرند . این درست نیست . البته انتقاد به قصد کشف و رفع تضادها ، کشف و رفع کمبودها انجام می شود ولی کمبودها به درستی کشف ، ارزیابی و رفع نخواهند شد اگر کار انجام شده در مجموع خود مورد ارزیابی قرار نگیرد و در آن، جوانب منفی و جوانب مثبت آن نیز روشن نشود . انتقاد از خود به این معنا کار عادی و جاری و همیشگی حزب است و باید باشد . هر بار که کاری انجام می شود نتایج آن باید از طرف ارگان های مسئول حزبی و تک تک اعضای حزب مورد بررسی انتقادی قرار گیرد و از هر کار برای کار بعدی تجربه و درس گرفته شود . این انتقاد از خود که کار عادی و روزمره حزب است ، سازماندهی ویژه ای لازم ندارد . سرتا پای حزب باید چنان سازمان داده شده باشد که در آن برخورد انتقادی نسبت به کار حزبی بطور مداوم انجام پذیرد .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

اصل سازمانی سانترالیسم دموکراتیک که رکن اساسی سازماندهی حزب است بهترین شرایط را برای نقد و بررسی مداوم کار حزبی _ یعنی انتقاد از خود _ فراهم می آورد. اصولاً انتقاد از خود با دموکراسی درون حزبی ملازمه دارد. اگر دموکراسی حزبی مراعات نشود و اعضای حزب نتوانند در زندگی حزبی بطور جدی مشارکت نمایند طبعاً سخنی هم از ارزیابی بی نظرانه کار حزبی و یا انتقاد و انتقاد از خود سالم نمی تواند در میان باشد.

اساسنامه حزب به هر عضو حزب حق می دهد (ماده ۵ اساسنامه) :

" الف _ در بحث و حل مسائل مربوط به سیاست حزب شرکت داشته باشد. به این معنا که در جلسات سازمانی که عضو آنست اظهار نظر نماید و در مباحثاتی که در مطبوعات حزبی مطرح می گردد شرکت جوید و پیشنهاد دهد و یا نظر و پیشنهاد خود را به اطلاع ارگان های بالاتر تا عالی ترین مقام حزب برساند.

ب _ طرز کار هر یک از ارگان ها و مسئولین حزبی را در هر مقام که باشند در جلسات سازمانی که عضو آنست و یا از طریق نوشته به ارگان های بالاتر به منظور آشکار ساختن نقایص کار و بر طرف کردن آنها مورد انتقاد اصولی قرار دهد. "

اعمال دقیق این حق و فراهم کردن شرایط استفاده از آن بخش بزرگی است از اجرای اصل انتقاد و انتقاد از خود درون حزبی. حزب با تمام اندام خود با جامعه و توده ها پیوند دارد. اعضای

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

حزب در زندگی روزمره خود در تماس با توده مردم مشی حزب را به محک می زنند ، درجه صحت و میزان نفوذ آن را در می یابند و با مشکلات کار برخورد دارند . آنها می توانند و باید در بحث و حل مسائل مربوط به سیاست حزب شرکت ورزند . نقایص کار حزب را کشف کرده و موافق موازین اساسنامه ای ، به رفع آن کمک کنند .

نه تنها تک تک اعضای حزب بلکه به ویژه سازمان های حزبی در بررسی انتقادی کار حزب از بالا تا پائین شرکت می کنند و باید شرکت کنند . سازمان های حزبی از حوزه ساده گرفته تا کمیته مرکزی مجموعه به هم بسته ای از یک اندام واحدند که در تعیین مشی و سازماندهی حزب مشارکت دارند و طبعاً باید با برخورد انتقادی مداوم نقایص کار را پیدا کرده و رفع کنند .

نقص کار حزبی ، چیزی نیست که یک بار پدید آید و اگر کشف و رفع شد ، کمال مطلق دست دهد . نقایص نیز مانند همه پدیده ها همواره در حال پیدایش و تغییر و تکاملند . نقصی که پدید آمد و رفع شد ، نقص دیگری پدید می آید و گسترش می یابد . مثلاً در مورد مشی حزب ، از آنجا که واقعیت خارج متحول است ، تغییر متناسب مشی ضرورت دارد و گرنه مشی حزب با واقعیت خارج فاصله خواهد گرفت و چه بسا با آن در تضاد خواهد افتاد . بعلاوه مشی حزب محصول شناخت حزب از واقعیت خارج است و هر چه اطلاع حزب بیشتر و شناخت آن کامل تر باشد نقایص موجود روشن تر دیده خواهد شد .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

هم چنین حزب باید همواره نسبت به کار سازمانی خود برخوردی انتقادی داشته و آن را با نیازهای مبارزه منطبق تر سازد. انتقاد از کار سازمانی حزب به سه دلیل ضرورت پیدا می کند: نخست این که، بر اثر تکامل و تحول مبارزه طبقاتی نیازهای جدیدی پدید می آید. آن شکل کار سازمانی که دیروز درست بود چه بسا امروز کهنه باشد و باید تغییر کند. دوم این که - تکامل مبارزه طبقاتی امکانات نوینی می آفریند و آنچه دیروز ناممکن بود، چه بسا امروز ممکن باشد، لذا باید همواره کار سازمانی را بر اساس استفاده از حداکثر امکانات تکامل بخشید. سوم این که، شناخت حزب از امکانات و نیازهای کار سازمانی در حال تغییر و پیشرفت است و با هر شناخت جدیدی که حاصل می شود باید تغییرات ضرور در کار سازمانی پدید آید.

چگونگی شرکت فعال سازمان های حزب در سرنوشت حزب و از جمله در کشف و رفع نقایص کار در اساسنامه حزبی به روشنی نشان داده شده است. هر یک از سازمان های حزبی _ از حوزه ساده تا کمیته مرکزی و کنگره حزب _ در ساختمان حزب ما جای مشخصی دارند و وظایف و حقوقشان به روشنی نشان داده شده است.

تا وقتی شرایط خارجی امکان می دهد که اساسنامه حزب دقیقاً اجرا شود. اصل انتقاد و انتقاد از خود نیز که در سرشت سازماندهی حزب ماست، خود به خود مراعات می شود. ولی زمانی که زندگی عادی حزب مختل شود و اجرای اساسنامه به دشواری برخورد، بررسی انتقادی کار حزب

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

و مشارکت همه اعضای حزب و سازمان های حزبی در این امر مهم نیز دشوار می گردد و لازم می آید که بسته به شرایط نوین ، شیوه های دیگری پیش گرفته شود ، تا این دشواری رفع شود و برخورد انتقادی به کار حزب همچنان جاری باشد . علاوه بر شرایط خارجی ، گاه به دلایل درون حزبی ، کار عادی حزب مختل می شود ، اجرای اساسنامه و از جمله برخورد انتقادی نسبت به کار حزب _ انتقاد و انتقاد از خود معوق می ماند . بیماری هایی نظیر کیش شخصیت ، دو دستی و فراقسیون بازی اگر در حزب پیدا شود طبعاً کار حزب مختل می شود .وظیفه تک تک اعضای حزب است که در برابر این گونه بیماری ها حساس باشند .

خوشبختانه امروز در حزب ما مناسب ترین شرایط ممکن برای شرکت فعال اعضای حزب در سرنوشت حزب و انجام وظیفه سازمان ها و ارگان های حزبی فراهم است . بدین معنا که از داخل حزب هیچگونه مانعی برای اجرای تمام و کمال اساسنامه حزب وجود ندارد . البته فشار از خارج دشواری هایی پدید می آورد ولی انسجام درونی حزب و اعتقاد عمیق همه ارگان های حزبی به ضرورت گسترش هر چه بیشتر دموکراسی درون حزبی و مشارکت همه اعضای حزب در سرنوشت حزب به حدی است که بر دشواری های خارجی فائق می شود . امروز در حزب ، هیچ کس نیست و نباید باشد که خود را شریک و سهیم در سرنوشت آن نداند و هیچ کس

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
نیست و نباید باشد که نتواند نظر انتقادی خود را نسبت به کلی ترین و جزئی ترین امور حزبی
بطور موثر بیان کند .

۳ آزادی انتقاد به چه معناست

لنین بنیان گذار احزاب طراز نوین کارگری که آن همه روی ضرورت گسترش انتقاد از خود در
حزب و جامعه سوسیالیستی تاکید کرده ، اثر خود " چه باید کرد " را با جمله به " آزادی انتقاد "
آغاز می کند و می نویسد :

" آزادی انتقاد " یکی از بدترین شعارهای امروزی است ... هر شخص بیگانه ای که این شعار
مد روز را ، که سر هر گذاری تکرار می شود ، بشنود و به کنه اختلاف موجوده بین مباحثه
کنندگان پی نبرده باشد باید به خود بگوید " مطلب نباید به این سادگی ها باشد " .^۱

در واقع نیز در زندگی حزب لحظاتی پیش می آید که کسانی بطور غیر عادی روی " آزادی
انتقاد " تکیه می کنند و آدم احساس می کند که " مطلب نباید به این سادگی ها باشد " با کمی
دقت می توان دریافت که به این سادگی هاهم نیست ، مدعیان " آزادی انتقاد " خواستار تغییر
اصول ایده ئو لوژیک و سازمانی حزبد و می خواهند چیز دیگر _ و البته " نوینی " _ را به جای

۱ . لنین ، منتخبات ، جلد اول . بخش اول ، ص ۲۴۴ (تکیه از ماست)

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

آن جانشین کنند. حمله‌لنین به " آزادی انتقاد " در آغاز " چه باید کرد " متوجه این نوع انتقاد است. متوجه کسانی از نوع برنشتین است که پدر اپورتونیسیم راست در اروپا بود.

طبیعی است که این نوع انتقاد در حزب آزاد نیست و نباید آزاد باشد. رفقای حزبی باید نسبت به افراد و جریان هایی که نقش خرابکارانه خود را زیر نام " انتقاد و انتقاد از خود لنینی " پنهان می کنند، به خرابکاری خود، لباس دلسوزی پوشانده و ادعا می کنند که مقصودشان " بهتر کردن " حزب است، حساسیت داشته باشند.

به ویژه در لحظات عقب نشینی و شکست این نوع " آزادی انتقاد " بیش از هر وقت دیگری مطالبه می شود. و بیش از هر وقت دیگری زیانبخش است. در این لحظات دشمنان طبقه کارگر می کوشند زیر نام " انتقاد " و با لحن بسیار " دلسوزانه " و برای " بهبود و اصلاح " شکست روحی و سر در گمی حاصل از عقب نشینی را که در برخی از اعضای حزب پدید می آید به تسلیم کامل و دست کشیدن از اصول برسانند.

در برابر این نوع انتقاد باید مقاومت کرد و به طالبین " آزادی انتقاد " باید حرف لنین را تکرار کرد که:

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
" آقایان ، شما آزادید ... هر کجا دلتان می خواهد بروید ولو آن که منجلا ب باشد ، ما معتقدیم
که جای حقیقی شما هم همان منجلا ب است ... ولی دست از سر ما بردارید و به ما نچسبید و
کلمه بزرگ آزادی را ملوث نکنید ...

ما هم آزادیم نه فقط علیه منجلا ب بلکه با هر کسی هم که راه را به سوی منجلا ب کج می کند
مبارزه نمائیم .^۲

در تاریخ حزب ما دو بار اسلحه " آزادی انتقاد " بصورت اسلحه خرابکارانه از طرف دشمن
طبقاتی علیه حزب ما ، بکار افتاد که هر دو بار زمینه عینی آن را شکست جنبش فراهم کرده
بود: یک بار در ۱۳۲۵ پس از شکست نهضت در آذربایجان و کردستان و سپس سرتاسر کشور و
بار دیگر پس از شکست نهضت در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ . در هر دو بار دشمنان حزب انتقاد و انتقاد از
خود را بهانه کرده و کوشیدند تا شکست نهضت را به نفی حزب و ویرانی کامل آن بدل کنند .
پس از آذر ۲۵ گروه خائنین به رهبری خلیل ملکی باد در گلو فریاد می زدند که " انتقاد و انتقاد
از خود اصل لنینی است و باید اجراء شود !!! " عده ای از جوانان پاکدل و ساده لوح نیز که متوجه
عمق مسئله نبودند با این شعار هم آوا می شدند غافل از اینکه ملکی ها هرگز به لنین و لنینیسم
معتقد نبودند و هدف آنها از پیش کشیدن این شعار دشمنی با لنین بود ، نه اجرای اصل لنینی .

۲ . همانجا ، ص ۲۴۹

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

بر اثر فشار این گروه خرابکار و هم آوایی عناصر صدیق و ناآگاه با آنان ، در همان سال ۲۵ پس از شکست آذربایجان اعلامیه ای از طرف هیئت اجرائیه موقت حزب صادر شد که حاوی بخشی از این نوع " انتقاد از خود " یعنی عقب نشینی از مواضع اصولی حزب بود . خوشبختانه نیروی سالم و انقلابی حزب این اشتباه را به زودی جبران کرد ، ولی جو " آزادی انتقاد " بیش از یک سال در حزب مسلط شد و هواداران آن ، حزب را به کلوپ بحث مبدل کردند . در روزهایی که لازم بود تمام انرژی ها صرف مقابله با دشمن و تجدید سازمان حزب باشد ، مدعیان " آزادی انتقاد " همه کارها را رها کرده از صبح تا شام و در کوچه و خانه و کارخانه و دانشگاه مشغول بحث _ یعنی کوبیدن و بی اعتبار کردن اصول ایده ئولوژیک و سازمانی حزب _ بودند و درست در این زمان اعضای صدیق حزب با تلاشی خستگی ناپذیر سازمان های ضربه خورده حزب را نوسازی می کردند .

عاقبت " انتقاد از خود "ملکی ها انشعاب از حزب و غلتیدن آشکار در منجلاب خیانت بود .

پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز بخشی از حزب دچار سراسیمگی شد . شعار " حزب باید از خودش انتقاد کند " بالا گرفت . این شعار از طرف دشمنان حزب بطور غیر مستقیم تشویق و تایید شد تا شاید حزب را یکبار دیگر زیر فشار گذاشته از مواضع اصولی اش بیرون کنند . سردمداران احزاب بورژوایی وابسته به جبهه ملی که به همه چیز جز سرمایه _ خیانت کرده بودند برای اینکه خود

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

را از زیر ضربه خارج کنند همه گناهان را به حزب توده ایران نسبت داده و از موضع دروغین به اصطلاح "مارکسیستی _ لنینیستی" به حزب، فشار می آوردند که حزب باید از خود انتقاد کند " این فشار در واقع مکمل فشار جسمی و روحی بود که رژیم کودتایی به حزب، وارد می آورد. کسانی که از تک تک اعضای حزب زیر شکنجه ندامت نامه و تنفرنامه می گرفتند، می کوشیدند تا شاید زیر نام "انتقاد از خود" از مجموع حزب نیز "ندامت نامه ای" دریافت کنند.

خوشبختانه حزب ما در برابر این فشار مقاومت کرد و از مواضع اصولی خود عقب ننشست، ولی موج "انتقاد از خود" خرابکارانه که دشمن از همه طرف دامن می زد به هر صورت ضربات سنگینی به حزب ما وارد کرد. چه انرژی و وقت فراوان و گرانبهایی که در روزهای پس از ۲۸ مرداد می توانست و می بایست صرف عقب کشیدن نیروها و حفظ و نوسازی سازمان حزب شود، که بر اثر موج به اصطلاح "انتقاد" در بحث های بی سرانجام هدر رفت.

موج انتقاد از خود پس از ۲۸ مرداد، در آغاز مضمون محدودی داشت و طلب می کرد که علل شکست روشن شده و مسئولین شکست معلوم شوند. این موج در آن زمان هنوز اصول ایده ئولوژیک حزب را فرا نمی گرفت و انتقاداتی که به اصول می شد هنوز در نطفه بود. اما با گذشت زمان این جانب از "انتقاد" نیز چه در زندان و چه در خارج از آن رشد کرد و فراگیر شد. کسانی که تاب تحمل سختی های پس از کودتا را نداشته و در زیر ضربات روحی تعادل خود را

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
از دست داده بودند نسبت به همه چیز بی اعتقاد شده و نسبت به همه چیز " انتقاد " کردند و
عقب گرد خود را با جملات انتقاد آمیز توجیه نمودند .

در دهه ۶۰، زمانی که مائوئیسم پرچم " آزادی انتقاد " را در مقیاس جهانی برافراشت و علیه
مارکسیسم _ لنینیسم قیام کرد، " آزادی انتقاد " و پیدا کردن چیزهای " نوین " باز هم مد روز
شد، بخش غیر اصولی و خرابکارانه انتقادهای پس از ۲۸ مرداد شکل گرفت و برخی از افراد
گروه های حزبی را با خود برد. عده ای از دانشجویان ایرانی خارج از کشور که هوادار حزب
بودند از حزب بریده، و به دست عناصر خود فروخته سازمان " انقلابی ! " تشکیل دادند و سه تن
از رهبران حزب _ قاسمی، فروتن، سغایی انشعاب کرده به آن ها پیوستند .

این انشعاب هم مانند انشعاب ملکی عاقبتی جز خیانت به انقلاب و جنبش کارگری ایران و
جهان نداشت. از شاخه های این انشعاب و یا زیر پرچم آن، انواع جریانات " نوین "، انواع
گروهک های " نوین " که یکی از دیگری " انقلابی تر " و نسبت به طبقه کارگر " دلسوزتر "
بود پدید آمد. ولی همه آن هایی که در این راه " نوین " پای فشردند، جز منجلاب به جایی
راه نبردند .

با توجه به این تجربه ها باید به طور جدی مراقب بود که در لحظات شکست و عقب نشینی موج
" انتقاد از خود " حزب را در خود غرقه نکند. در چنین لحظات بحرانی خطر دشمن برای

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
منحرف کردن حزب به مراتب بیش از مواقع عادی است . باید تمام اعضای صدیق حزب در برابر
این خطر تجهیز شوند . با انتقاد مدروز مقابله کنند و نیروی خود را برای مقابله با دشمن ،
بازسازی حزب و به ویژه برای دفاع از اصول ایده ئولوژیک و سازمانی حزب به کار اندازند و اجازه
ندهند که ضربات خارجی دشمن با حمله عوامل داخلی آن زیر نام " آزادی انتقاد " تکمیل شده
سازمان حزبی را به هم ریزد .

(۴) خطوط کلی انتقاد از خود

با توجه به آنچه گفتیم می توان خطوط کلی انتقاد از خود درون حزبی را به شرح زیر خلاصه
کرد:

_ انتقاد و انتقاد از خود درون حزبی امر جاری و روزمره حزبی است و نه یک موج ویژه جدا از
فعالیت روزمره . همه افراد و سازمان های حزبی باید در زندگی روزمره خود نسبت به کار انجام
شده برخورد انتقادی داشته و نقایص را به طور مداوم کشف و رفع کنند .

_ شرط پیدایش و گسترش برخورد انتقادی به فعالیت حزب اجرای دقیق اصل سازمانی مرکزیت
دموکراتیک است . همه اعضای حزب باید حزب را از آن خود دانسته و در محیط کاملاً آزاد و

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
سالم نظر خود را بگویند. سازمان ها موظفند این نظر ها را جمع بندی کرده و مورد استفاده قرار
دهند .

__ برخورد انتقادی زمانی سودمند است که از موضع اصول اساسی مارکسیستی _ لنینیستی انجام
شود و هدف از آن آموزش و کاربرد هر چه کامل تر این اصول باشد .

__ برخورد انتقادی زمانی سودمند است که از موضع انترناسیونالیسم پرولتری و برای استوار کردن
پایه های دوستی برادرانه حزب با سایر احزاب برادر و جنبش های انقلابی جهان انجام پذیرد .

__ برخورد انتقادی زمانی سازنده است که به تحکیم وحدت صفوف حزب و پایه های دوستی ثمر
بخش میان اعضای حزب کمک کرده به یک پارچگی حزب بیانجامد .

__ انتقاد باید اعتبار حزب را در چشم توده ها بالا برد و پیوند حزب با توده ها را محکم تر کند .
به لجن کشیدن حزب ، کوبیدن و خرد کردن آن زیر نام " انتقاد " ، خیانت به جنبش است .

__ حزب کلپ بحث نیست و لذا انتقاد به معنای بحث جدا از فعالیت و کار سازنده ، جایی در
حزب ندارد.

__ انتقاد از خود باید از درون حزب بجوشد و کار خود حزب باشد . آنچه دشمن از خارج تحمیل
می کند انتقاد نیست ویرانگری است . حزبی که به چنین تحمیلی تن در دهد حکم انحلال خود
را صادر کرده است .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
_ در لحظات شکست باید جدا مراقب دفاع از اصول حزبی بود و در اوج پیروزی باید از غرور و
روپوشی نقایص حزب پرهیز داشت .

(۵) انتقاد از خود در مقیاس های کوچک سازمانی

انتقاد از خود به مثابه یکی از اصول اساسی فعالیت حزب ، باید سراسر حزب را فرا گیرد ، بدین
معنا که فعالیت هر حوزه پایه و سلول حزبی _ و به طریق اولی سازمان های بالاتر حزبی _
همواره توأم با برخورد انتقادی به کار انجام شده باشد .

در اساسنامه حزب این مطلب به شرح زیر بیان شده است (ماده ۱۲ اساسنامه) :

" سازمان های حزبی اصل کار جمعی با حفظ مسئولیت فردی را مبنای کار خود قرار می دهند و
باید از به کار بردن شیوه های فرماندهی و اداری احتراز جویند و از طریق بسط انتقاد از خود
نقایص کار را رفع نمایند . این سازمان ها موظفند کار خود را بر اساس نقشه منظم کنند و هر
چندی یک بار جلساتی برای واری واری امور انجام گرفته و یافتن نقایص کار و طرق رفع آن و
ارزشیابی فعالیت ارگان ها و اعضای آن ترتیب دهند. "

چنان که از اساسنامه پیداست انتقاد چیزی جدا از کار حزبی نیست و معنای دیگری جز واری واری و
ارزشیابی امور انجام گرفته و کوشش برای کشف و رفع نقایص ندارد . بنابر این انتقاد را باید

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

همزاد کار انقلابی دانست و نه چیزی جدا از آن . باید هر روز و هر ساعت نسبت به کار انجام گرفته و کار در حال انجام برخورد انتقادی داشت و در جریان کار نقایص آن را بر طرف کرد .

طبیعی است که جمع بندی تجربه _ یعنی واریسی کارها پس از طی مدتی که نتایج خود را به بار آورده و قابل جمع بندی است _ ضرورت دارد و هر چندی یک بار می توان و باید جلساتی برای واریسی کارها تشکیل داد ولی این بدان معنا نیست که واریسی کارها انبار شود و به این جلسات موکول گردد و یا این جلسات به جلسات ویژه " انتقاد " با جو ناسالم ایرادگیری بدل شود .

برخورد انتقادی به کار انجام شده در هر واحد و سازمان حزبی میتواند به شرح زیر سازمان داده شود :

بررسی کار جمعی : هر واحد حزبی در هر سطحی که باشد یک کالکتیو یعنی یک نیروی کار جمعی است و لذا انتقاد از خود در هر واحد حزبی قبل از هر چیز باید به معنای بررسی کار جمعی ، بررسی کار واحد حزبی به مثابه یک واحد به هم پیوسته و یک پارچه تلقی شود .

بررسی انتقادی را باید از تعیین دقیق وظایفی که در رابطه با مشی عمومی حزب به دوش واحد حزبی گذاشته شده آغاز کرد . وقتی وظایف به دقت روشن شد میتوان به چگونگی آن پرداخت و هر دو جانب کار یعنی هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف را با دقت تمام و بدون پرده پوشی نقایص و یا شکسته نفسی دروغین روشن کرد .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
جمع بندی جانب مثبت کار و موفقیت های کسب شده ما را در شناختن امکانات و بهره گیری
کامل تر از آنها یاری می کند . به علاوه پیشرفت کار در یک واحد ، نقص کار در واحد مشابه را
برجسته کرده و راه رفع آن را نشان می دهد .

و اما نقایص کار ، از وظایف انجام نشده و یا وظایفی که واحد حزبی به ناحق از تقبل آن امتناع
کرده پیداست . این نقایص را می توان از طریق بررسی مستقل کار واحد و مقایسه آن با
واحدهای مشابه دریافت . بخش اول یعنی بررسی مستقل کار هر واحد از عهده همان واحد بر
می آید ولی در امر مقایسه ، باید ارگان های بالاتر کمک کنند .

عوامل منفی و موانع پیشرفت معمولاً بر دو نوعند :

یکی عوامل عینی که خارج از اراده واحد حزبی بوده و در جریان کارپیش آمده و دیگری عوامل
ذهنی که مربوط به خود واحد حزبی است و در صورت مراعات موازین حزبی و استفاده از همه
امکانات موجود ، نقایص حاصل از آن قابل پیش بینی و پیشگیری می بود . نقصی که بر اثر
عوامل عینی پدید می آید در واقع نقص کار نیست بلکه نماینده درجه تکامل جنبش و سازمان
است . اما نقصی که بر اثر عوامل ذهنی پدید می آید نقص به معنای مستقیم کلمه است و باید با
دقت تمام ریشه یابی شده و راه های رفع آن شناسایی شود .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

یکی از مهم ترین نکاتی که باید در موقع واریسی انتقادی کار واحد حزبی مدنظر داشت عبارتست از شناخت امکانات تازه و به میدان کشیدن نیروهای ذخیره . تفاوت هایی که میان واحد های مشابه پدید می آید معمولاً از اینجا ناشی می شود . شناخت هر دو واحد از امکانات موجود همسان نیست ، واحدی از نیروهای خود ، بهتر بهره گیری کرده و دیگری کمتر .

باید توجه داشت که امکانات شناخته نشده و نیروی ذخیره در پیرامون هر واحد حزبی همواره وجود دارد. اگر به این اصل اساسی معتقد باشیم که نیروی توده ها در قیاس با تصور ما بی پایان است ، در خواهیم یافت که امکانات کار حزبی نیز هر چه بیشتر مورد استفاده قرار گیرد بیشتر می شود و نه کمتر . بهره گیری از هر امکان نویی که تا دیروز در دسترس نبود می گشاید .

بنابر این رفع نقایص و افزایش مداوم ظرفیت واحدهای حزبی ابجاب می کند که سازمان های حزبی و تک تک اعضای حزب در باره امکانات معطل مانده و نیروهای ذخیره غیر فعال هر چه بیشتر بیاندیشند و به این امر مهم مبتکرانه و خلاق برخورد کنند .

بررسی مسؤلیت فردی : چنان که در اساسنامه تصریح شده مبنای کار سازمان حزبی

اصل کار جمعی با حفظ مسؤلیت فردی است . پس از بررسی کار جمعی طبعاً نوبت به بررسی مسؤلیت فردی می رسد .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

این بخش از انتقاد و انتقاد از خود یعنی بررسی مسئولیت های فردی همانقدر که مهم و ضرور است ، دشوار است و لذا باید با دقت زیاد و مراعات تمام جوانب انجام پذیرد تا نتایج سودمندی به بار آورد و گرنه به جای سود زیان خواهد داشت و محیط واحد حزبی را مسموم کرده از پیشرفت کار جلوگیری خواهد کرد .

نکاتی که در بررسی مسئولیت های فردی باید مدنظر داشت بطور عمده به شرح زیر است :

الف _ هدف از انتقاد و انتقاد از خود _ چنان که گفتیم _ سازندگی است و نه ویرانگری . به طریق اولی هدف انتقاد از کارهای یک رفیق حزبی پروردن و ساختن اوست و نه شکستن او . بررسی مسئولیت فرد در کاری که انجام داده باید آن چنان بررسی شود که فرد حزبی هر روز اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند و برای انجام وظایف سنگین تری آماده شود .

ب _ مسئولیت اگر چه فردی است ولی از طرف واحد حزبی و یا مسئولین بالاتر محول شده ، بنابراین بررسی مسئولیت فرد منطقیاً توأم است با بررسی کار کسانی که چنین مسئولیتی به او داده اند . آیا این مسئولیت به درستی به رفیق حزبی محول شده ؟ آیا مسئولیت دقیقاً تفهیم شده ؟ آیا سازمان حزبی با همه امکانات و به موقع ، به کمک رفیق شتافته ؟ نقایص احتمالی که در کار پیش آمده تا کجا حاصل کم تجربگی و کجا در مرز سهل انگاری و ندانم کاری است ؟

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

پ _ انتقاد و انتقاد از خود به ویژه در آنچه که به بررسی وضع فرد فرد اعضای واحد حزبی مربوط می شود ، باید در محیط کاملاً سالم حزبی انجام شود . انتقاد از خود با جلسه محاکمه افراد حزبی و یا جلسه توبه و اعتراف _ که شکنجه روحی قرون وسطایی است _ تفاوت ماهوی دارد . انتقاد از خود زمانی سودمند است که اعضای واحد حزبی خود را در محیط رفیقانه ای احساس کنند و کاملاً بی تکلف و آزاد باشند . رفقای که در چنین جلساتی به انتقام جویی ، خرده گیری های بی جا ، خالی کردن عقده و اثبات " برتری " خود از طریق کوچک کردن دیگران می پردازند ، در واقع انتقاد از خود را به ضد آن بدل می کنند . به جای کمک به تقویت پایه های وحدت حزب و افزایش کارایی آن به تفرقه و تضعیف صفوف حزب کمک می کنند .

متقابلاً رفقای که تاب تحمل هیچ نوع بررسی انتقادی را از کار خود نداشته و با زود رنجی و برافروختگی محیط مجمع حزبی را سنگین می کنند ، پیشرفت کار حزب را دشوار می سازند . هر رفیق حزبی باید خود را با گشاده رویی در اختیار جمع رفقای خود قرار دهد و از نظریات انتقادی آنان برای درک شخصیت واقعی خود و اصلاح و بهبود کار خویش حداکثر بهره برداری را بنماید .

۶) پرورش اعضای حزب

یک جانب بسیار مهم برخورد انتقادی نسبت به کار حزب چه در مقیاس کلی و عمومی حزب و چه در مقیاس کوچک واحد و سازمان _ عبارتست از مشارکت دادن اعضای حزب در سرنوشت حزب و پروردن اعضای حزب در جریان کار حزبی و نبرد انقلابی . بررسی کار جمع و هم چنین بررسی مسئولیت های فرد باید آن چنان انجام پذیرد که به این هدف خدمت کند .

این جانب از انتقاد از خود حساس ترین بخش انتقاد است و باید با دقت تمام انجام گیرد .

گروهک های چپ نما ، درست این بخش را آسان می گیرند و کار انتقاد از خود را از همین جا شروع می کنند . جلسات آنها و حتی محفل های دوستانه آنها مدام با بگومگو های بی سرانجام در باره فلان خصلت " خرده بورژوازی " که گویا فلان رفیق دارد توأم است . در این محافل گاه افراد را وا می دارند که در باره خصوصیات اخلاقی ، روش زندگی و گذشته خود " اعتراف " کنند و انواع مطالب درست و نادرست بر زبان آورند که فقط برای اقناع حس کنجکاوی این و آن خوب است و یا گزکی است برای کوبیدن رفیق .

در حزب ما جایی برای این روش ها و این به اصطلاح " انتقاد از خود " ها نیست . کسی که به حزب وارد می شود باید در محیط صمیمی ، پاک و دوستانه ای مورد همه گونه حمایت قرار گیرد . حوزه و واحد حزبی باید به تک تک اعضای خود کمک کند که زخم های روحی و عقده هایی

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
را که جامعه بی رحم و خشن طبقاتی بر دل آنها نهاده چاره کنند و به انسان هایی فارغ بال و
متکی به خود بدل شوند .

هدف ما از توجه به خصوصیات فردی اعضای حزب نه کوبیدن آن هاست و نه قالب زدن و
یکسان کردنشان . انسان ها خصلت ها ، روحیات و ساختار روانی و اخلاقی متفاوتی دارند _ و
این خود نعمتی است _ آنها را نمی توان و نباید در یک قالب محصور کرد و یکسان از قالب
بیرون آورد . برعکس باید به اعضای حزب کمک کرد که شخصیت ویژه و فردی و تکرار
ناپذیری خود را بهتر بشناسد و فضایل ویژه خود را هر چه بیشتر بیورانند .

شناخت شخصیت اعضای حزب و کشف فضایل و استعداد های ویژه آنها خود از نوع کشف
امکانات نو و پیدا کردن نیرو های ذخیره است . اعضای حزب که در پیرامون ما هستند بسیاری
استعداد های ناشکفته دارند که با کمک سازمان و به ویژه حوزه حزبی می توانند آنها را بروز
دهند. از این دریچه و فقط از این دریچه باید به شخصیت فردی اعضای حزب برخورد کرد .

روشن است که خصوصیات اخلاقی و سیاسی معینی وجود دارد که داشتن آنها با عضویت در
حزب و یا کسب مسئولیت مغایر است . افراد ناسالمی که نقایص جدی اخلاقی _ سیاسی خود را
از دیده ها پوشانده و در صفوف حزب جا خوش کرده اند باید با مراقبت دائمی اعضای حزب
شناخته شده و موافق موازین حزبی و با نظر مراجع قانونی حزب با آنها رفتار شود .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

ولی این امر مربوط به توده حزبی نیست . توده اعضای حزب از بهترین فرزندان جامعه تشکیل شده و وظیفه ما در قبال آنها رفع نقایص احتمالی و پروردن استعدادها و فضایل برجسته آنهاست. نکته ای که در اینجا یادآوری آن ضروری است اینست که در باره خصوصیات اخلاقی مثبت و فضیلت هایی که باید یک انقلابی داشته باشد میان حزب ما و گروه های چپ رو و انقلابی نما توافق نظری نیست . گروه های چپ رو موافق ایده ثلوثی خرده بورژوازی و مشی سکتاریستی خود ، فرد انقلابی را قهرمانی منفرد و انسانی غیر عادی و جدا از توده تصور می کنند ، قهرمانی که مدام شجاعت و شرافت و صداقت خود را برجسته می کند و به رخ دیگران می کشد و فداکاری خود را نیز هدیه ای می داند که از بالای ابرها به توده مردم نا آگاه اهداء کرده است .

_ اخلاق توده ای خلاف اخلاق این " قهرمانان " منفرد است . توده ای میان مردم و از خود مردم است . او به توده ها اعتقاد دارد ، برای درک هر چه بیشتر آنها تلاش می ورزد ، کار ، کار خلاق خستگی ناپذیر در راه انقلاب ، وفاداری بی قید و شرط به منافع توده ها ، انترناسیونالیسم و میهن پرستی انقلابی ، وظیفه شناسی در قابل حزب و مردم ، از برجسته ترین خصوصیات است که یک توده ای بدون تظاهر و با فروتنی تمام آنها را در خود می پرورد . توده ای " من " نیست . " ما " است . همواره منافع جمع را بالاتر از منافع خود می گیرد . شجاعت و صداقت او

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
بطور عادی و بدون آنکه نیازی به تبلیغ و به رخ کشیدن آن باشد ، همواره در خدمت توده
هاست.

در اساسنامهٔ حزب تودهٔ ایران مهم ترین فضیلتی که برای عضو حزب ذکر شده و پرورش آن در
صفوف حزب تاکید شده چنین است . ماده اول اساسنامه):

" حزب تودهٔ ایران اعضای خود را با روح وفاداری به منافع طبقه کارگر و جنبش رهایی بخش
مردم ایران و با روح میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری پرورش می دهد ."

این هاست خصوصیات برجسته ای که یک توده ای باید داشته باشد . دومین نکته ای که در
رابطه با پرورش اعضای حزب باید یادآوری کنیم که انتقاد از خود همواره _ و از جمله در مورد
پرورش شخصیت افراد _ فقط در رابطه با کار انقلابی انجام می شود . اعضای حزب در جریان
مبارزه و کار است که خود را نشان می دهند و همان جاست که باید آنها را شناخت و به
بروزاستعدادهای آنان و رفع نقایصشان کمک کرد . در خارج از کار و مبارزه ، انتقاد از خود بی
محتوی است و جلسات به اصطلاح " انتقاد از خود " که جدا از نبرد انقلابی تشکیل شود بیشتر
محفل پر حرفی و خالی کردن عقده هاست و ربطی به انتقاد از خود واقعی ندارد .

(۷) تحریف مائوئیستی انتقاد از خود

مائوئیسم در همهٔ زمینه‌ها علیه مارکسیسم _ لنینیسم برخاسته و با سوءاستفاده از اصطلاحات مارکسیستی آن‌ها را به ابتذال کشانده است. از جمله در بارهٔ انتقاد از خود نیز که اصل لینی است، مائو به یک تبهکاری دست یازیده و خرابکاری‌های خود را در درون حزب کمونیست چین زیر نام "انتقاد و انتقاد از خود" پنهان کرده است.

متأسفانه این جانب از انحراف مائوئیسم در کشور ما به حد کافی شناخته نیست و بسیاری عناصر صدیق و انقلابی که انتقاد از خود لینی را به همان معنایی می‌گیرند که مائو می‌گرفت.

تفاوت اساسی تفسیر مائوئیستی "انتقاد از خود" با انتقاد از خود لینی در اینست که مائو انتقاد از خود را از کار و زندگی عادی حزب جدا کرده به یک نهاد ویژه، به یک کارزار (کامپانی) بدل می‌کند و از آن برای هدف‌های ناسالم سیاسی خویش بهره می‌گیرد. در چین لااقل دوبار این کارزار "انتقاد از خود" به راه افتاد که در آن، نه کار انجام شدهٔ حزبی، بلکه اصول و معتقدات و مشی حزب و زندگی تک تک مسئولین حزبی مورد "انتقاد" قرار گرفت.

نخستین کارزار بزرگ به اصطلاح "انتقاد از خود" در سال ۱۹۴۱ در حزب کمونیست چین آغاز شد که به جنبش "اصلاح سبک" معروف است. شیوهٔ "انتقاد از خود" در این کارزار چنین

بود:

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر

" لازم بود جلسات بحث به راه انداخته شود . . . هر رفیقی در باره انطباق این اصول (منظور اندیشه های مائوتسه دون است . ف. م.) با کار گذشته خویش گزارشی به سایرین می داد... کسانی بودند که کنترل کار خود را بد انجام می دادند و از خود انتقاد نمی کردند . عمل آن ها در جلسه عمومی بطور آشکار مورد انتقاد قرار می گرفت . چندی نفری را که وظیفه کنترل کار خویش را بد انجام داده بودند حزب ما مجازات کرد تا دیگران به لزوم و اهمیت انتقاد از خود شرافتمندانه متوجه شوند . ۳۱"

چنانکه می بینید سخن بر سر بررسی انتقادی کار انجام شده حزب نیست ، سخن از کارزار عمومی است که در آن کار و اندیشه افراد و گذشته آنها در قیاس با اندیشه های تحمیلی از بالا به محک می خورد و فرد مجبور است از مناسبت خودش نسبت به این اندیشه ها انتقاد کند . در واقع امر آنچه مائو انتقاد از خود می نامد یک نبرد سیاسی است برای خرد کردن ، شکستن و از میان بردن کمونیست های صدیق چینی .

در جریان این به اصطلاح انتقاد از خود ، اعضاء و کادرهای صدیق حزب کمونیست چین که به اصول لنینی وفادار بودند مورد انواع فشارهای روحی و جسمی قرار می گرفتند . آنها را در جلسات عمومی جلو تعداد کثیری از اعضای ساده و افراد بی خبر ارتشی می نشانند ، به آنان توهین می

۳. درس هایی از تاریخ مختصر حزب کمونیست چین ، چاپ پکن ، ص ۳۲ (تکیه از ماست)

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
کردند ، آنها را عامل اجنبی ، حامل نظریات ضد چینی ، مسئول شکست ها می نامیدند و از آنان
می طلبیدند که از خود انتقاد کنند .

این " انتقاد از خود " نسخه بدل محکمه های تفتیش عقاید قرون وسطایی و شوهای تلویزیونی
ساواکی است که در آنها انسان های تحت فشار مجبور بودند از معتقدات خود دست بشویند و
علیه آن اعتراف کرده توبه کنند .

بر اثر این روش وحشتناک _ که مائو تبهکارانه نام آن را انتقاد از خود گذاشته است _ بسیاری از
کمونیست های صدیق بر اثر شکنجه های روحی و جسمی از میان رفتند . بنا به اعتراف
خودستایانه خود مائوئیست ها :

" این مبارزه بر روی بعضی از رفقای حزبی تاثیر شدید داشت . آن ها در اثر فکر زیاد سخت
پریشان شده بودند . شب ها نمی توانستند بخوابند . وزنشان کم شده بود . " ^۴

بار دوم کارزار یا به اصطلاح " جنبش انتقاد از خود " به سال ۱۹۶۵ در جریان " انقلاب
فرهنگی " در چین به راه افتاد و بیش از دو سال به طول انجامید . این جا دیگر از انتقاد از خود
لینینی حتی سایه ای هم باقی نماند .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
زیرا اجرای " انتقاد از خود " به دست گروه های جوانان غیر حزبی و ضد حزبی که " گارد سرخ
" و یا " شورشی " نامیده می شدند سپرده شد و آنان از بیرون و با کمک ارتش ، سازمان های
حزبی را در هم کوبیدند و کادرهای فعال حزب و دولت را از کارها برداشته و مجازات کردند .
بسیاری را کشته و بسیاری را به بلای " انتقاد از خود " دچار کردند .

این توده جوانان ناآگاه ، متعصب ، ضد حزبی و ضد کمونیست ، مسئولین برجسته حزب و دولت
را و می داشتند که در برابر جمعیت زنانو به زمین بزنند و به گناهان خود اعتراف کنند . آنان
مجبور بودند ساعت ها در این وضع دشوار غیر قابل تحمل بمانند و از گذشته خود ابراز ندامت و
از کرده ها توبه کنند . به مارکسیسم _ لنینیسم بتازند ، به جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و
اتحاد شوروی توهین کنند و مائوئیسم را بستانند . برای شکستن شخصیت این مبارزین
کمونیست ، طوق لعنت به گردنشان آویخته می شد و سرانجام زمانی که در زیر فشار ، شکنجه و
تحقیر می شکستند " انتقاد از خود " آغاز می شد .

این تبهکاری ها کمترین رابطه ای با انتقاد از خود لنینی ندارد . انتقاد از خود لنینی کارزار نیست ،
موج ویژه و غیر عادی توام با تصفیه نیست . انتقاد از خود کار جاری و عادی حزبی است .
وارسی جاری و عادی کارها و برخورد انتقادی به کار انجام شده به قصد تقویت جوانب مثبت و
کشف و رفع نقایص است .

انتقاد و انتقاد از خود..... ف. م. جوانشیر
هر بار که موج " انتقاد " برخیزد ، هر بار که کسانی بخواهند اعضای حزب را به زانو بنشانند و طوق لعنت به گردنش بیاویزند ، بحث های دائمی و جلسات بحث بی سرانجام به راه اندازند ، باید دریافت که چیزی جز " انتقاد از خود " در جریان است .
در حزب توده ای ما هرگز جایی برای این تبهکاری و روش های غیر انسانی وجود نداشته و نخواهند داشت .

ف . م . جوانشیر